

بسم الله الرحمن الرحيم

\* و لا تلبسوا الحق بالباطل و تكتنوا الحق و انتم تعلمون \* (سوره بقره؛ ۴۲)

(حق را با باطل نیامیزید و حق را با این که میدانید، کتمان نکنید).

ضرورت تعظیم شعائر فاطمی

چند سالی است در ایام فاطمیه، تلاشهایی در راستای به زیر سوال بردن بزرگداشت این ایام، در قالب تشکیل هیئات عزاداری، مجالس عزاء، بیان تاریخ و حوادث مرتبط با این ایام در صدر اسلام، از سوی برخی نهادهای مرتبط با اهل سنت و دیگران صورت می‌پذیرد؛ نمونه اخیر آن را میتوان مصاحبه آقای سید عقیل هاشمی از شبکه کلمه (مقیم لندن!) با آقای شیخ احمد عابدینی از ایران دانست. در این مصاحبه «شهادت صدیقه طاهره سلام الله علیها یک افسانه انگاشته می‌شود. بزرگداشت فاطمیه، یک انحراف تلقی می‌گردد که در زمان ائمه - علیهم السلام - سابقه ندارد. و گفته شد: در این باره امکاناتی صرف می‌شود که باید در مسیر تبیین معارف به کار گرفته شود، نه در راستای عزاداری و درگیری افراد با یکدیگر».

در همین راستا، چند سال قبل هم امام جمعه شهر خاش با انکار هرگونه ایراد حادثه تلخ بر حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - مرگ حضرت را شش ماه بعد از رحلت پیامبر - صلی الله علیه و آله - بر اثر تب دانست؟! و به دلالت التزام و اشاره، کل عالمان شیعه را در طول تاریخ، بدهکار و متهم به تحریف تاریخ کرد. طبیعی است که در آینده نیز با این سخنان و مصاحبه‌ها مواجه خواهیم بود، به ویژه اگر پاسخی درخور به این بیانات طلبکارانه داده نشود.

گفتنی است رفتار مزبور، از اصل و قاعده‌ای سرچشمه می‌گیرد که اهل سنت به آن پایبند بوده‌اند؛ قاعده‌ای که می‌گوید: تاریخ صدر اسلام نباید بررسی شود، مطالعه و تحلیل آن حرام است، حتی در اطراف آن، نباید فکر شود. (عدم الخوض لا بالفکر و لا بالبحث و الطلب). باید از آن چه بین اصحاب گذشته، چشم پوشید (الامساک عما شجر بین الاصحاب). ر.ک: ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۳۳۲؛ ابن حجر، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۶۲۱، محمد صالح العثیمین. شرح العقیده الواسطیة، ج ۲۶، ص ۲، محمد بن عبدالله الوهیبی؛ دیدگاه اهل سنت در مورد اصحاب (ترجمه اسحاق بن عبدالله دبیری عوضی)، ص ۴۴-۴۵ و ص ۵۹-۶۱؛ و...

اهل سنت در ترکیز بر این قاعده، تا به آن حد اصرار ورزیده‌اند که عالمانی چون ابن عبدالبر صاحب الاستیعاب و ابن قتیبہ دینوری صاحب الامامة و السياسة به دلیل نقل بخشی از تاریخ اصحاب مورد بی‌مهری دیگران قرار گرفتند. (ر.ک: قاضی ابوبکر بن العربی العواصم من القواصم، ج ۱، ص ۲۶۱).

اهل تسنن با همین ابزار به ویژه با توسعه قاعده نسبت به تابعین و دیگران بسیاری از اصحاب، تابعان و عالمان نامی آن روزگار را سر پا نگه داشتند. و اگر نبود این تمسک، وجود احادیثی چون حدیث «کلاب حوآب و جمل

ادب»، حدیث «فته باغیه» و «معیار بودن رضایت و غضب حضرت فاطمه سلام الله علیها و حرمت آزار ایشان» بسیاری از کنشگران صدر اسلام را زمین گیر می کرد.

در کنار این قاعده، اضافه کنید منع ناموجه کتابت احادیث نبوی و اجازه ندادن به ثبت تاریخ تا اواخر قرن اول! که هر کدام اثر خود را در جهت دادن به افکار مسلمانان گذاشت.

واضح است که ما - به هیچ وجه - مدافع ایجاد اختلاف، هتک حرمت‌ها و به زیر سوال بردن معتقدات هیچ مذهب و گروهی از مسلمانان نیستیم. ما معتقدیم قرآن، پیامبر عظیم الشان، امامان معصوم، عقل و عقلا بر پرهیز از آنچه گفته شد، بلکه بر تقریب و همگرایی در عمل دلالت و هدایت دارند. پدیده‌ای که جهان اسلام به ویژه در دوران معاصر به آن نیازمند است.

لکن:

۱. به حکم آیه‌ای که در صدر نوشته، آمد، کتمان حقیقت و آمیخت ناموجه حق و باطل جایز نیست. به راستی با چه منطقی تفکر و گفتگو نسبت به مقطعی از تاریخ (تاریخ صدر اسلام به ویژه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله) که باورهای یک مسلمان را شکل می‌دهد، می‌تواند حرام باشد چون عمل کرد برخی زیر سوال می‌رود؟!

تاریخ آن مقطع مثل تاریخ حمله نادرشاه به هندوستان یا پادشاهی فلان پادشاه در آفریقا نیست که دانستن و ندانستن آن برای ایمان و هدایت انسان تفاوتی نداشته باشد!

۲. اگر برفرض غیر واقع مطالعه و تحلیل تاریخ صدر اسلام را حرام بدانیم، آیا افسانه‌انگاشتن شهادت حضرت زهرا - سلام الله علیها - و انکار هرگونه حرکت ناروا نسبت به ایشان، بیت فاطمه - سلام الله علیها - و حوادث دیگر در درون خود گزارش تاریخی با تحلیل ندارد؟ این که هجوم به بیت فاطمه (س) نانجیبانه به این گونه توجیه شود که خلیفه و نیروهایش می‌خواستند ببینند اگر داخل خانه از «مال الله» چیزی هست بردارند و بین مسلمین پخش کنند، (انه کبس البیت لینظر هل فیه شیء من مال الله الذی یقسمه و ان یعطیه لمستحقه. ابن تیمیه، منهاج السنة، ج ۸، ص ۲۹۱) گزارش و تحلیل حرام تاریخی نیست؟!

گویا حرمت نقل تاریخ و تحلیل آن یک طرفه است! توصیه صاحب این قلم این است که نابخردانه وقایع تاریخ را افسانه پنداری نکنیم.

۳. تعجب از کسانی است که نبود عزاداری به سبک امروزین در ایام فاطمیه را در زمان امام علی و حسنین (علیهم السلام) نشان از بی‌اعتباری، غیر ضرور - بلکه انحراف آن - می‌دانند؟ در حالی که کمتر آشنایی به تاریخ حکایت از این دارد که هیچ زمینه‌ای در آن زمان برای این حرکت‌ها جز به ندرت و در مواقعی خاص نبوده است. البته منکرانی هم نبوده‌اند که تشیع و امامت و عالمان امامیه را بدهکار کنند و لذا تا زمینه و دریاچه‌ای باز می‌شد حضرات معصوم علیهم السلام مصیبت‌های وارده را متذکر می‌شدند، چراکه اذا زال المانع جاز و عاد الممنوع.

فضای نامناسب در آن زمان تا جایی بود که حتی در زمان امام صادق (علیه السلام) وقتی تعدادی محدود در خانه امام جمع می‌شوند و به عزاداری می‌پردازند امام اشاره به بستن درب خانه می‌کنند و دستور گریه آرام می‌دهند (کافی، ج ۸، ص ۲۱۶).

۴. البته هیچ عالم دینی و متفکر اسلامی موافق عزاداری به هر سبک و سیاق نیست؛ عزاداری را باید هدایت کرد و عامل ترویج و تبلیغ معارف دین قرار داد. تاریخ را روشن کرد و نسل مخاطب را هدایت نمود. کسانی که دغدغه صرف مال و وقت را برای بیان معارف دارند، آیا نمیدانند که یکی از بهترین راه‌های نشر مذهب و اسلام اقامه مجالسی مثل فاطمیه و عاشورا است؟! هدایت میلیون‌ها انسان و دانشمندان و نویسندگانی توانمند چون سید ادریس الحسینی از مراکش نویسنده «لقد شیعنی الحسین - علیه السلام - و احمد حسین یعقوب از اردن نویسنده «این سنة الرسول و ماذا فعلوا بها» و... جز از برکات و آثار همین جلسات است؟!!

۵. در پایان باید از بزرگانی چون سید شرف الدین صاحب «المراجعات» و سید محسن امین صاحب «الشیعة بین الحقائق و الاوهام» یاد کرد که چگونه در روش خالد و محمود خویش، بنیان گفتگوی روشنگر و فارغ از ایجاد شقاق، اختلاف و نفاق را گذاشتند. روشی که همیشه تاریخ درمان دردها است و متضادنمای «یا بیان حقیقت با اختلاف و یا کتمان حقیقت بدون اختلاف» را حل کرده و مرتفع ساختند.  
إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ.

الحمد لله رب العالمين

قم - حوزه علمیه - ابوالقاسم علیدوست

۱۴۰۲ / ۱۰ / ۲

۱۴۴۵ / ۲ / ۹